

مقام معظم رهبری:

به نظر من استفاده از جوانان مومن و انقلابی در بخش‌های مختلف مدیریتی امکان‌پذیر است به شرط آنکه دولتی سر کار بیاید که مسئولان بالای آن، اطمینان و اعتقاد به جوانان داشته باشد، همانگونه که امام به جوانان اعتقاد داشت و کار را جلو برد.
اگر چنین دولتی سر کار بیاید، مشکلات در مدت زمان معقولی قابل حل خواهند بود و زمینه تحقق آرمانها نیز فراهم خواهد شد



بسیج دانشجویی دانشگاه محقق اردبیلی

«

نشریه دغدغه

بسیج دانشجویی دانشگاه محقق اردبیلی

سال اول / شماره دوازدهم

تاریخ انتشار ۱۴۰۰/۰۳/۰۳



انتخاب خوب یعنی دولتی تشکیل بشود که لبریز از امید باشد. مسئولین دولتی باید خودشان ناامید نباشند. اگر یک آدم ناامید و افسرده‌ای را ما در رأس یک کاری گذاشتمیم، حب بیدا است که این کار بیش نخواهد رفت؛ باید لبریز از امید باشند. معتقد به توانمندی‌های داخلی باشند.

سپیده قهرمان پور

..... سخن سردبیر

امید یعنی طمع داشتن در چیزی که رسیدن به آن ممکن است. وقتی می‌گوییم دولت آینده باید امیدوار باشد، یعنی تمام تلاشش را برای رسیدن به ایرانی آزاد و آباد بکند؛ که امریست کاملاً دست یافتنی. امید یعنی اشتیاق، اشتیاق به داشتن ایرانی سرافراز.

آری، دولتی مشتاق می‌خواهیم، کارگزارانی با انگیزه‌های والا و در پی تحقق آرمان‌های متعالی جمهوری اسلامی. کسانی که از نقش و مسئولیت بزرگ خود آگاه باشند، کسانی که بدانند در چه راهی قدم می‌گذارند و پر شور و نشاط به میدان بیایند. شاید گرد ناامیدی پاشیده باشند، دلها را سرد و دست‌ها را بی‌رمق کرده باشند ولی ما کسی را می‌خواهیم که گرمای دلهای ما شود و غبارهای ناامیدی را بزداید. مرد این میدان شدن سخت است و پیدا کردن آن مرد برای ما سخت تر، اما بادقت، تحقیق، غرق نشدن در بازی‌های سیاسی و بررسی دقیق برنامه‌ها و کارنامه‌ها می‌توانیم سخت‌ها را آسان کنیم.

ما مدیری اصلاح، کارگزاری صادق و انسانی سرشار از امید را انتخاب خواهیم کرد. ما سرنوشت سازیم و باید سرنوشت این زمستان را به بهاری سبز گره بزنیم. از زمستان عبور خواهیم کرد و از پس این سرما به گرمای دلچسب بهاری خواهیم رسید.

این درخت پر ثمر، میوه‌هایی شیرین خواهد داد و به باغبانی دلسوز و مسئولیت‌پذیر نیاز دارد. این درخت مراقبت، سم پاشی و آبیاری می‌خواهد، اما از همه مهمتر نیازمند نور دلچسب خورشید امید است، خورشیدی پر نور و گرما بخش، نه این خورشید کم رمق. پای این درخت لاله‌ها روییده‌اند. لاله‌هایی که روزی دانه‌هایشان به امید تنومند شدن این درخت زیبا در زیر خاک مدفون شدند.

امید، همانی است که عده‌ای در گذشته لاف آن را زدند و ناامیدمان کردند. اما امروز، ما می‌آییم و دولت امیدواران را بر سر کار خواهیم آورد. امیدوار به آینده‌های زیبا، امیدوار به توان داخلی و امیدوار به ظهور حضرت حجت (عج). آری، تمام امیدهای ما به این نقطه ختم می‌شود. امیدی که لحظه‌ای خاموش نمی‌شود. این‌ها همه بهانه است و پایان این مسیر، ظهور است.

اللهم عجل لوليك الفرج

بسیج به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه‌ای است که اسلام و قرآن و امام زمان ارواحنافداه و این انقلاب مقدس به آن نیازمند است؛ لذا پیوند میان بسیجیان عزیز و حضرت ولی عصر ارواحنافداه - مهدی موعود عزیز - یک پیوند ناگستینی و همیشگی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

امتیاز نشریه: بسیج دانشجویی دانشگاه محقق اردبیلی
عنوان: دغدغه

زمینه انتشار: سیاسی، فرهنگی، اجتماعی

ترتیب انتشار: گاهنامه

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

صاحب انتشار: بسیج دانشجویی دانشگاه محقق اردبیلی
مدیر مسئول: حامد نقی زاده

سردبیران: سپیده قهرمان پور، سید محمد حسین جلیلی
کارشناس نشریات: مهندس سعید بوداقی

طراح و صفحه آرایی: لیلا شمشیری

شماره و تاریخ مجوز: ۳۶۸۴/۲۳۵/۰۸/۹۹/م/ف

هیئت تحریریه: سپیده قهرمان پور، مهدی صابری، سیده لیلا ذاکری،
زینب تقی زاده طبری، دانیال یوسفی

فهرست:

| | |
|---------|--------------------------------|
| صفحه ۱ | دولت متعالی |
| صفحه ۳ | نگذارید شهر سقوط کندا |
| صفحه ۴ | مغزهای کوچک غرب زده |
| صفحه ۶ | امیری امیر المؤمنین |
| صفحه ۸ | فوران پویولیسم در انتخابات! |
| صفحه ۱۱ | مغز سه گانه و روان شناسی سیاسی |
| صفحه ۱۳ | حنیفانامه |

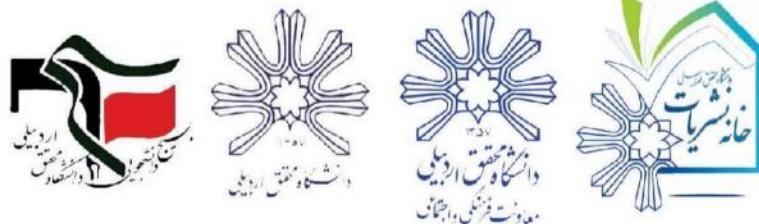
کانال های ارتباطی:

ایнстاستاگرام

@uma_daghdagheh

ربات تلگرامی (آرشیو شماره های قبلی نشریه)

@umadaghdagheh_bot



اگر واقعاً یک دولتی سر کار باید که مسئولین بالای دولت اعتماد به جوان‌ها داشته باشند، اطمینان به جوان‌ها داشته باشند، همچنان که امام بزرگوار داشت و کار را با جوان‌ها بیش برد، اگر یک چنین دولتی سر کار باید، به نظر من مشکلات خیلی زود حل خواهد شد.

تنظيم گنده: مهدی صابری

دولت متعالی

قانون اساسی است. علاوه بر این دولت بازوی اجرای سیاست‌ها، خط مشی‌ها و برنامه‌های بالادستی و کلان کشور نیز هست. به عبارت دیگر دولت‌هادر نظام جمهوری اسلامی دارای بیشترین قدرت اجرایی وبالاترین جایگاه سیاسی در بین قواهستند؛ امری که با توجه به سوابق دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی، علاوه بر داشتن ثمرات مثبت، آسیب‌های بیشماری را نیز به همراه داشته است. یکی از مهمترین آسیب‌ها در موضوع دولت در جمهوری اسلامی، تفاوت نظر در مبانی انقلاب اسلامی و به دنبال آن حرکت برخلاف سیاست‌ها و خط مشی‌های کلان جمهوری اسلامی است. به دیگر معنا، تفاوت‌های بنیادی در نوع نگاه به بایدها و نبایدهای جمهوری اسلامی از یک طرف و برخورداری از بسط ید در تمامی امور اجرایی کشور از طرف دیگر، باعث شده تا دولت مطلوب و مناسب با ساختار سیاسی جمهوری اسلامی شکل نگیرد و جایگاه قانونی دولت در قانون اساسی محقق نشود.

نگاهی به منظومه فکری رهبران انقلاب اسلامی نشان می‌دهد در صورتی که دولت انتخابی مردم هم راستا با مبانی مکتبی و انقلابی باشد، شرایط کشور در حوزه‌های گوناگون رو به بهبودی خواهد رفت؛ اما در صورت روی کار آمدن دولتی با ویژگی‌های غیرمکتبی، تعارض نظری در نوع نگاه به مسائل انقلاب اسلامی کشور را به بن‌بست می‌کشاند؛ مسئله‌ای که در دولت‌های جمهوری اسلامی از سال ۱۳۶۰ تا کنون به خوبی مشهود است.



دولت جوان حزب الله

رهايد مختار انقلاب در ديردار داشت‌پوريان :

جوانان هم امروز این جوری باید حرکت کنند. اگر شما امروز این جور عمل کنید، توطئه‌های نرم دشمن که مهمترینش فلجه کردن نسل جوان است، خنثی می‌شود. اگر شما جوانان این جوری پیش بروید و زمینه را برای روی کار آمدن دولت جوان و حزب الله فراهم کنید، غصه‌های شما تمام می‌شود و این غصه‌ها فقط مخصوص شما نیست

هیچ قومی را نمی‌یابی که به خدا و قیامت مؤمن باشند (و در همان حال) با کسی که در برابر خدا و رسولش موضع گرفته است، مهروزی کنند، حتی اگر پدران یا پسران یا برادران یا خویشاں‌شان باشند. آنها کسانی هستند که خداوند، ایمان را در دل‌هایشان ثابت فرموده و با روحی از جانب خویش آنان را تأیید نموده است و آنان را در باغ‌هایی که نهرها از (پای درختان) آن‌ها جاری است، وارد می‌کند در حالی که در آنجا جاودانه هستند، خداوندان از آنان راضی است و آنان نیز از اراضی هستند. آنان حزب خدا هستند، آگاه باشید که تنها حزب خدا پیروز و رستگارند.

(سوره مجادله آیه ۲۲)

گفتمان دولت‌های روی کار آمده در نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب تا کنون، هیچگاه به طور کامل با گفتمان اصیل انقلاب اسلامی منطبق نبوده است. ضعف‌های اندیشه‌ای و اجرایی دولت‌های مختلف، به مرور زمان سبب ایجاد خلل در کارآمدی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نظام شده‌اند. این امر سبب شده تا روی کار آمدن یک دولت پرتوان و مکتبی تحت عنوان «دولت جوان حزب الله» بیشتر از پیش ضرورت و اهمیت یابد. دولت جوان، دولتی است که با برنامه ریزی مشخص و مدون، گام بلندی در تحقق تمدن اسلامی بردارد. مباحثی که به تناوب در بیانات مقام عظمی ولایت، امام خامنه‌ای نمود پیدا کرده است.

همیت شکل گیری دولت جوان انقلابی

طبق اصول قانون اساسی و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس جمهور به عنوان رئیس دولت مسئول اجرای



بیانات هادکار امام خامنه‌ای:



اگر میل به حضور جوان‌ها نبود، شناسایی جوان‌ها هم انجام نمی‌گیرد و دولت و مجموعه‌ی نظام، مجموعه‌ی حکمرانی کشور هم از منافع وجود آنها محروم می‌ماند.

مختلف آن معتقد به اصول و مبانی انقلاب اسلامی باشد.» به عبارت دیگر پشتونه

چیستی دولت جوان حزب‌الله‌ی

برای روش‌شن ترشدن ابعاد مختلف دولتی با چنین دولتی، اعتقاد به مبانی ناب و قاطع حکومت اسلامی است و دغدغه‌های اصلی نشان انقلاب اسلامی، لازم است تعریفی این دولت حل مسائل مردم و انقلاب اسلامی بر اساس نظمات برآمده از اندیشه‌های اصیل مشخص از آن ارائه شود. منظور از واژه «انقلاب اسلامی» است. طبق بیانات آیت‌الله خامنه‌ای اگر دولت از خصیصه «روحیه «جوان» در دولت جوان حزب‌الله‌ی؛ انقلابی و اسلامی عمیق» بهره‌مند باشد، تمام برنامه‌ها و اهداف آن دولت در دولتی برخوردار از روحیه جهادی، با نشاط حوزه‌های روبنایی جامعه مثل اقتصاد تحقق می‌پذیرد.

و پرتلاش و دارای انگیزه جهت حل در کلیت شاخصه‌های دولت جوان حزب‌الله‌ی رامی توان در پنج بخش زیر تجمعیع مشکلات کلان کشور است. چنین دولتی نمود:

در بزنگاه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی ۱- جذب حداکثری و دفع حداقلی و بین‌المللی به جای بهانه تراشی برای فرار ۲- حرکت به سمت اجرای عدالت از مسئولیت، از تمامی ظرفیت‌های موجود ۳- پایبندی به شرع و قانون کشور و محیط پیرامونی آن برای رفع ۴- رفتار بر اساس عمل به تکلیف موانع حرکت نظام جمهوری اسلامی به سمت اهداف مادی و معنوی خود، بهره

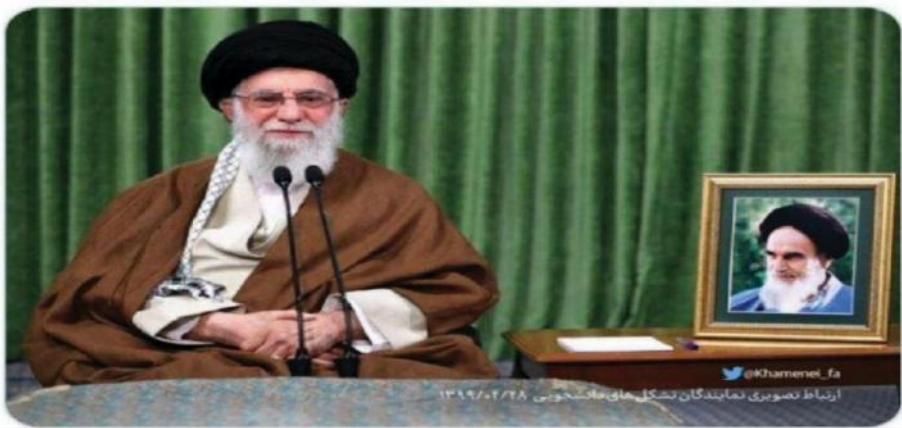
می‌برد. باید توجه داشت که در منطق سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای جوانگرایی در تقابل با شایسته سالاری نیست. نباید با تاکید بر جوانگرایی، شایستگان را حذف کرد و یا امور را به دست جوان کم تجربه تری که فاقد شایستگی و تخصص لازم برای پیشبرد امور کلان کشور است، سپرد. بدون شک نگرش رهبری بر سپردن امور به جوانان شایسته و صاحب صلاحیت است و باید نسبت به این شاخص دقت لازم را داشت تا نسخه اتخاذ شده به فساد و ناکارآمدی بیشتر منتهی نشود.

در تعریف رکن انقلابی بودن عبارت دولت جوان حزب‌الله‌ی باید بیان کرد که بر اساس منویات رهبر معظم انقلاب، دولت حزب‌الله‌ی عبارت است از: امید است با استعانت از باری‌الله‌ی و بصیرت افزایی در این راه دشوار، «دستگاه مدیریتی تحقق ارزش‌ها و مقصود و غایتی متعالی برآمده از بطن جامعه دست یابیم تا رضایت خالق مسئول اجرای قانون اساسی که ارکان نسبت به مخلوق را کسب نماییم.

فارسی | **KHAMENEI.IR**
@Khamenei_fa



#دولت_جوان_حزب‌الله‌ی علاج مشکلات کشور است. البته معنی اش این نیست که مثلاً رئیس این دولت یک جوان سی و دو ساله باشد؛ بلکه یعنی دولت سریعاً، با نشاط، آماده و در سنین کار و تلاش باشد.



ارتباط تصویری نمایندگان تسلیمانی و انتخوبی

دولت حزب‌الله‌ی عبارت است از: امید است با استعانت از باری‌الله‌ی و بصیرت افزایی در این راه دشوار، «دستگاه مدیریتی تحقق ارزش‌ها و مقصود و غایتی متعالی برآمده از بطن جامعه دست یابیم تا رضایت خالق مسئول اجرای قانون اساسی که ارکان نسبت به مخلوق را کسب نماییم.

بصیرت یعنی شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویت، شناخت دشمن، شناخت دوست و شناخت هر وسیله‌ای که در مقابل دشمن باید به کار برد.

نویسنده: شیفتگان بازی مافیا، دنبال کنندگان سیاست

شهروندان نگذارید شهر سقوط کند!

*تمامی کسانی که از ماهیت بازی شهروند و مافیا اطلاع دارند معنا و ماهیت این جمله را به خوبی درمی‌یابند. در بازی هرگاه مشخص گردد که تعدادی از شهروندان حذف شده‌اند و در شرف از دست دادن بازی هستند، باقیمانده شهروندان که هم‌دیگر رانمی شناسند و تا آن لحظه حتی هم‌دیگر را در مظان اتهام و فشار قرار می‌دادند، بی‌هیچ دلیل و اصولی دست به «یکپارچگی و اتحاد انتشاری» می‌زنند و یک به یک بر علیه حاضرین موجود متعدد می‌شوند و شروع به حذف افراد حاضر می‌نمایند تا «به هر قیمت» برنده شوند حتی اگر فرد حذف شده واقعاً شهروند باشد و با عباراتی همچون «فدایی شهر شدن» یا «باز کردن گره»، تبربه دست گرفته و تیشه به ریشه‌ی شهر می‌زنند. در این لحظات شهروندان در هیجانی ترین حالت ممکن قرار دارند و توان تحلیل شان کاوش پیدا کرده است.

قسمت خطرناک قضیه آنجاییست که مافیا از این فشار و هیجان شهروند استفاده می‌کنند و با اینکه خود، از مسببین وضع موجود هستند، خود را در دسته‌ی شهروند‌ها جامی کنند و شعار «بیایید پشت دست ما تا شهر رانجات دهیم»، سرمی دهند. *گرایی که برخی کاندیداهای مردم می‌دهند اینست که درست است از عملکرد برخی نمایندگان احزاب دل خوشی ندارید، درست است که تمامی شعارهای میان دروغ از آب درآمد، درست است که وضعیت معیشت خراب است، درست است که تورم را ۵۰٪ کردیم، درست است که شاخص‌های بیکاری، خط فقر و شاخص فلاکت را به بالاترین درجه رسانیدم، درست است که محبوبیت دولت دوازدهم، پائین ترین درصد محبوبیت در میان دولت‌های مستقر بوده، اما...

* اما بیایید با تمامی اشکالات محرز و موجود دوباره دست به یک «اتحاد و یکپارچگی انتشاری» بزنیم، به معنای دیگر اگر حتی «بقال سرکوچه» در کنار شاخص‌های متعهد و متخصص، کاندیداشد، یکپارچه و بدون هیچ تمایلی به

«بقال سرکوچه» رأی بدھید اما به شاخصه‌های لایق رأی ندهید.

* متأسفانه برخی کاندیداهای راهکارهای خبیثانه را علناً اعلام می‌نمایند اما جبهه متخصص و متعهد همچنان در تشتبّه و حیرانی است و با توجه به نارضایتی عمومی از نالایقان، با خیال اینکه در ۱۴۰۰ بار قیب جدی مواجه نیستند، بازی راساده پنداشته‌اند.

* نشود که با خیال راحت بر روی انتخابات حساس نشویم و برخی نالایقان، با «یکپارچه نمودن بی تفاوت‌ها و ناراضی‌ها» با کمال تعجب، بقال سرکوچه را بعنوان رئیس جمهور از صندوق خارج کنند، زیرا آسیب شناسی انتخابات از سوی جناح ناشایست در ایران بیانگر یک جمله است: «هر کسی غیر از رقیب متخصص و متعهد، پیروز شود برای ما بهتر است» آنان سیاهی لشکر لازم را دارند و لشکری از مخاطبان واقعی و فضای مجازی در یک نظر سنجی اظهار کردند: «هر کاری می‌کنیم، حتی اگر ترامپ و نتانیاهو

در ایران نامزد شوند به آنها رأی می‌دهیم تا فلاٹی از یک قشر متخصص و متعهد رأی نیاورد!» مباداً مانند سال‌های گذشته جای مافیا (جلاد) و شهروند (شهید) را باهم عوض کنند و با تبلیغات دروغین مافیا را بزرگ کرده و شهروند را از دور خارج کنند! این بار دیگر بازی نیست و سرنوشت ۴ سال کشور است که نباید دست مافیای امتحان پس داده بیفتند!

پس همه باهم نگذاریم شهر سقوط کند!





برخی به اسم اینکه طرفدار ضعفا هستیم و می‌خواهیم اوضاع را درست کنیم، خودشان ملتفت نیستند اما عملای در جارچوب نقشه‌ی دشمن حرف می‌زنند و اقدام می‌کنند... آن‌ها که می‌گویند دولت باید برکنار شود در نقشه‌ی دشمن نقش‌آفرین هستند. دولت باید سر کار بماند و با قدرت، وظایف خود را در حل مشکلات انجام دهد.

نویسنده: زینب تقی زاده طبری

مغزهای کوچک غرب زد ۲۵۵

به نام حضرت دوست که هر چه داریم از اوست

در شماره قبلی نشریه مطالبی پیرامون تاثیر تصمیم و افکار اقلیتی به ظاهر روش فکر به باطن نادان بر حیات فکری جامعه، مختصر مطالبی ارائه کردیم در این شماره از نشریه شمارابه همراهی برای پرداختن به ادامه این موضوع دعوت می‌کنیم.

جان مایه آدمی خرد اوست و کسی که خرد ندارد دین ندارد. **پیامبر اکرم (ص)**

سینه زند مردم به آنها هجمه وارد می‌کنند، با گفتن جمله‌ی ماهم مثل شما گول خوردیم یا یک معذرت خواهی ساده سعی در پوشاندن گندی که بالا آمده می‌کنند و در موقع زیادی حتی موفق هم می‌شوند و ظاهرا مردم، دادن آن خط مشی اشتباه را به باد فراموشی می‌سپارند و دوباره همان آش می‌شود و همان



هنر پیشه در چه زمانی به چه سفری رفت و چه غذایی خورد؟! کاسه، باز هم شاهد تکرار این خاصیت دنیا و آدم‌های مجاز است که برای اهالی اش بی‌رحمانه تاریخ خواهیم بود. قدرت نامتناهی مجازی می‌سازد به نحوی که هر کس لایک و مکرراً همزمان با دوره جدید کامنت و دنبال کننده بیشتری برای خودش بخرد این معنی را انتخابات سفره‌ای گستردۀ می‌دهد که بین مردم فرد محبوب تریست و نظرات و خرده پهنه می‌شود و جماعتی برای فرمایشاتش نسبت به یک محقق یا پژوهشگر آن حوزه ارجح اینکه از این نان به نرخ روز خودی عقب نمانند دور است.

حالا بعضی از سلبریتی‌ها با استفاده یادداشت تراست بگوییم با آن سفره می‌نشینند و سوء استفاده از همین قدرت مجازی که من و شما عاملین به سنگدلانه ماحصل سادگی وجود آورنده آن برایشان هستیم وارد جریانات مهم سیاسی و مردم را می‌خورند. اما اغلب اجتماعی کشور می‌شوند و خود را صاحب صلاحیت برای اظهار مردم از این جریان از پیش نظر در هر عرصه می‌دانند و گاهی پارالاز آن هم فراتر می‌گذارند تعیین شده بی‌خبرند و از آن و در موقع حساس و بحرانی انتخابات کشوری بدون آگاهی و الگو برداری می‌کنند بی‌آنکه صرفا برای پولی که از جناح یا حزب خاصی می‌گیرند، این بدانند پشت پرده طرفداری عقاید غرض ورزانه و سوگیری‌های بچگانه خود را به آحاد فلان بازیگر خانم از فلان

شایطی زندگی می‌کنند به جامعه القا یا تحمیل می‌کنند و وقتی بعد از چند سال آشکار کاندیدا چیست؟! خوبی باخبریم که فلان شدن ناکارآمدی دولتی که سنگش را جسورانه و بی‌پروا به کارشناسان اجتماعی،

ترجیح دادم در همین ابتدای اهر به نقش بسیار مهم خرد و چگونگی بهره وری از آن در زندگی اشاره کنم و اینکه داشتن خرد و چگونگی بهره برداری صحیح از آن، شرط لازم و کافی برای سعادت در زندگی است. خرد سلیم ایجاب می‌کند برای داشتن زندگی هدفمند و سعادتمند باید برای خود الگوهایی

برگزینیم، اما چه الگویی؟! متسافانه تا نام الگو به میان می‌آید مردم اسم تعدادی به ظاهر هنرمند عرصه سینما یا موسیقی و یا ورزشکاران را می‌آورند همان‌هایی که بهشان سلب‌بریتی هم می‌گویند، سلب‌بریتی‌هایی که بیشتر از آنکه در جهان واقعی ما حضور داشته باشند کنش

ها و اکنش‌هایشان هر لحظه در دنیای مجازی مارا محصور کرده به طوری که خیلی از ما بیشتر از آنکه بدانیم فلان فامیل دورمان چگونه و در چه شرایطی زندگی می‌کند به بیشتر از آنکه بدانیم فلان شدن ناکارآمدی دولتی که سنگش را جسورانه و بی‌پروا به کارشناسان اجتماعی،

انتقاد اشکالی ندارد اما نباید مردم را ناامید کرد. گاهی در یک روزنامه یا در یک برنامه تلویزیونی و رادیویی، به‌گونه‌ای سخن گفته می‌شود که کوبا همه‌ی درها بسته است؛ در حالی که این گونه نیست.

گرفتاری اصلی راهمین نکته می‌دانند، به اعتقاد آنها هیچ سلبریتی حتی اگر کارهای خیریه و انسان دوستانه هم انجام می‌دهد نمی‌تواند یک الگوی بی عیب و نقص برای مردم باشد. تلاش جمعی باید در این راستا سازماندهی شود که به جای بها دادن به نظرات بدون آگاهی و صرف‌از روی احساس این جماعت به نظرات متخصصان و پژوهشگران و کارشناسان مرجع هر قشر و صنفی توجه و بهادار شود.

آیا بهتر نیست اگر می‌خواهیم بخوانیم و بدانیم و آگاهی بخشیم از نظرات کارشناسانه و آگاهانه به جای عقاید سودجویانه و منفعت طلبانه استفاده کنیم؟!

در پایان خالی از لطف نیست شعری از ایرج میرزا را که قربت مفهومی زیادی با مطالب گفته شده دارد بخوانیم:

هر وعده که دادند به ماباده‌وابود
هر نکته که گفتند غلط بود و ریابود
چوپانی این گله به گرگان بسپردند
این شیوه و این قاعده هارسم کجا بود؟
رندان به چپاول سراین سفره نشستند
این هاهمه از غفلت و بی‌حالی مابود
خوردن و شکستند و دریدند و تکاندند
هر چیز در این خانه بی برگ و نوابود
گفتند چنینیم و چنانیم دریغا
این هاهمه لالایی خواباندن مابود
ای کاش در دیزی ماباز نمی‌ماند
یاد رگبه کمی شرم و حیابود

سلبریتی



ل





«عدالت و دادگری یکی از بخش‌های زیبای شخصیت امیرالمؤمنین(علیه السلام) است. ماجراهی عدالت در زندگی حضرت به قدری عمیق است که کل حکومت وی را تحت تأثیر خود قرار داده است»

نویسنده: دانیال یوسفی

امیرالمؤمنین

ستایش آن را که سیرداد بندۀ خود را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی، جایی که پیرامونش را مبارک نمود تا آیات خود را نشان فرستاده اش دهد. به یقین او همان شنواز بیناست. آن که رسول خود را از هر گزندی ایمن نگاه داشت تا شعب‌ابی طالب در سایه اقتدارش به حکمرانی روم، مصر و ایران ختم گردد. آن که به موسی(ع) کتابی هادی برای فرزندان اسرائیل، نسل کسانی که به همراه نوح(بندهای بسیار سپاسگزار ره) قرار داد تا جزاً اورا و کیل (حقوقدان!) نگیرند. آنکه وعده داد فرزندان اسرائیل دوبار در زمین فساد می‌کنند و پس از بار نخست، بر جهان مسلط شده و اگر نیک کنند نیک بینند و اگر بد بکارند، بدرو می‌کنند. پس موعد دوم که فرار سد، بندگان سخت پیکار خود را باز مبعوث می‌گرداند تا وارد مسجد شوند. (اسرا ۱۱-۸)

ابرویشان بباید و جامه مولای متقيان(ع) پاره شود. در منزل بنشيند مشغول به پيشه زدن پاپوش، فردی درآيد و از ميل به حکومت پرسد. امير مؤمنان نگاهی اندازد و بگويد: «پيشه زدن اين کفش برایم ارزشمندتر است از حکم راندني که ذره اي در آن حقیقت نباشد.»

جدای از هرچه، خصوصیاتی ویژه‌ی علی(ع) و حکومت اوست. جایی که نظارت باشد، مجرمان و اداره زندگی در خفا شده و خیرخواهان امور را در دست خواهند گرفت. علاوه بر آن، حراست از مردم و نواميس، از هر مجھول زاده‌ی



یکی تقسیم بر اساس عدل، یعنی قراردهی هر تکه در جای مجھول النسب ساخته نیست

خود، دیگری تخصیص غنائم و خزانه از دوستان نزدیک به و باید اسدالله بود و پدرانه امت مجھول ساخته است.

غیریان دور. یکی ایستادگی در راه خدا حتی زمانی که برادران را پاس داشت. علاوه بر آن، و اموی از نظر تفاوت، در نقطه و خویشان طماع، عرصه خدمت را ترک کنند و دیگری، نشسته انسانی که خود چنان ابهت و مقابله کنند و قرار دارند. یکی در کمین برای صید همان برادران و خویشان، یکی آواره برای اقتداری داشته باشد که تلاش برای تصمیم گیری جلوس بر کرسی قدرت و دیگری

برحق در هر شرایط و دیگری روزی در آستانه آنکه همچون موران دورش بریزند به طوری که دشمنش برای گریزان نبرد، تقلاد در راه ارضای امیال فانی. نزدیک باشد سرور جوانان اهل بهشت زیر جمعیت خم به عریانی را سپر خود سازد!

حکمرانی، همچون راندن شتری سخت لجام است که اگر سفت گیری، لجام گسیخته و خون خود را تباہ می‌گرداند و اگر نرم نگاه داری، تو را از همان بلندی به زمین می‌افکند. در این راستاست که تشخیص حاکم شایسته دشوار می‌آید؛ حاکمی که نه خون شتر را مباح بداند و نه خود را در هیاهوی پرتنش سیاست، از دست بدهد.

بی تردید کتاب الله، قرآن، به استوار ترین راه هدایت می‌کند. کتابی که روز و شب را به وضوح، از یکدیگر تمییز داده است. هر کس که راه یافت، برای خود کرده و هر که در شب گمراحت شود را مجھول ساخته است.

تصریح می‌کنم حکومت علوی و اموی از نظر تفاوت، در نقطه و خویشان طماع، عرصه خدمت را ترک کنند و دیگری، نشسته انسانی که خود چنان ابهت و مقابله کنند و قرار دارند. یکی در کمین برای صید همان برادران و خویشان، یکی آواره برای اقتداری داشته باشد که تلاش برای تصمیم گیری جلوس بر کرسی قدرت و دیگری

اگر امیر المؤمنین می‌خواست عدالت را رعایت نکند، اگر می‌خواست ملاحظه کاری بکند، اگر می‌خواست شأن و مقام و شخصیت خودش را بر مصالح دنیا اسلام ترجیح بدهد، موفق‌ترین خلفا می‌شد و قدرتمندترین و هیچ معارضی هم پیدا نمی‌کرد.»

حتماً ماجرای خلخال وزن یهودی را شنیده‌اید و خوی بازدیگر عدالت علوی، همین است که امنیت جانی جای خود، میدان نبرد جای خود. ضمن آنکه کمتر حکمرانی، چون امیر مؤمنان (ع) مهارت تشخیص تکلیف وظیفه را دارد. حکومت علوی اگر در ایران بنامی شد مرزهای تمدن را می‌افزوید، (که البته چنین شده) اگر در روم علم می‌شد، هم زیستی گبر و عابد در آرام‌ترین حالت به نمایش گذاشته می‌شد. اما هزار و صد هزار افسوس که جهالت عرب از بین نرفت هیچ، احکام اسلام را نیز در راستای خود بهره برداشت و پایمال نمود. در چنان جامعه جاهلی، زمانی که خون عثمان ریخته شد، آب‌ها گل آلود و هوا غباراندو داشت و همین مسئله، بروز و رخنه سموم مختلف اجتماعی را جتناب ناپذیر نمود. حال اگر حاکمی بخواهد اصلاح ساختار داشته باشد، باید سهم زدایی را از بدن آغاز کرده و آفات و اضافات را بیرون ببریزد. پس از آن است که نقطه‌ی تازه به صفر رسیده‌ی جامعه، رشد و نمو را از بعد تمدنی آغاز می‌کند. حکومت را در آن نبینید که چه کسی فتح بیشتر و ملک بزرگتری داشت، بنگرید کدامیک قلوب را بیشتر به تصاحب درآورد و من به شمامی گویم؛ علی ابن ابی طالب (ع).

گواه می‌دهم میان جست و خیز بوزینگان بر منبر رسول خدا (ص)، جانشینی، برازنده آن روح پاک، و هارونی، برای او بوده و همین مرا بس تا او را پیشوای خود بدانم. اما از آفریدگان، آن‌ها که در راه رشد، طغيان کرده و خونی به ناحق ریخته باشند، خدا برای وارثان تسلط بر قاتل قرار داده است.





مردم عائله ما هستند.

نویسنده: سیده لیلا ذاکری

فوران پوپولیسم در انتخابات!

پوپولیسم به معنای "توده مردم یا عامه" است. به عبارتی دیگر پوپولیسم یا عوام گرایی، آموزه و روشی در طرفداری کردن یا طرفداری نشان دادن از حقوق و علایق مردم عامه در برابر گروه نخبه است. این نوع عوام گرایی در معنای رایج همان استفاده از مردم برای رسیدن به اهداف سیاسی است. با توجه به چنین مفهومی، با دشواری بتوان سیاست ورزی را بدون درجاتی از پوپولیسم تصور کرد! پوپولیسم در زبان رایج، متراffد با عوام فربی (demagog) است.

عقلاتیت و نخبه گرایی قرار می گیرد. در این حالت، پوپولیسم پدیده ای نفرت انگیز و خطرناک است زیرا با سیاست های مردم سالارانه به طور بنیادی ناسازگار است. طبق این رویکرد، پوپولیست به آن دسته از سیاست مدارانی اطلاق می شود که در یک کلام، ضد مدرن، نامعقول و پس رونده آند. یعنی نوعی از سیاست ورزی که با توسل به نارضایتی ها، حق طلبی ها، ترس ها و مشکلات جاری جامعه، مردم را برای پیشبرد اهداف مشخص خویش مورد استفاده قرار می دهد. از این نوع سیاست مداران در کشور ما بسیار زیاد است به طوری که بعد از هر واقعه و حادثه ای سعی می کنند با ایجاد یک جو منفی، اهداف شخصی، تیمی و حزبی خود را، زیر سایه جوایز داده شده دنبال کنند که با برانگیختن احساسات مردم، این کار انجام می شود. این نوع از سیاست به جای آنکه عقلاتی بوده و راه حل های منطقی و طولانی برای حل مسائل عرضه کند، مدعی ارائه راه حل های ساده و سریع است و وعده هایی می دهد که نه قصد و نه توان برآوردن آنها را دارد.



رویکردهای متفاوت پوپولیسم:

به طور کلی نسبت به این واژه دور رویکرد وجود دارد:

الف) در نگاه مثبت به معنای بزرگداشت مفهوم مردم که تا حد زیادی مقدس است و باور به اینکه هدف های سیاسی را باید به خواست و نیروی مردم، جدا از تعلقات حزبی، مذهبی و قومی پیش برد. این رویکرد، خواست مردم را عین حق و اخلاق می داند و بر آن است که می بایست میان مردم و نهادهای اصلی سیاسی یک جامعه، رابطه مستقیم وجود داشته باشد. همچنین فضای مردم را در برابر نقش فاسد طبقه حاکم یا هر گروهی که موقعیت سیاسی و منزلت اجتماعی برتر داشته باشد و از آن سوء استفاده نماید، قرار می دهد و می ستاید و مدعی توطئه های ضد مردمی در هر مکان و زمانی است. این گروه به دنبال رضایت عمومی و جلب پشتیبانی و حمایت مردم در حوزه های مختلف است که از این مسیر سیاستمداران می توانند به اهداف و خواسته های سیاسی، حزبی و گروهی خود با توجه به حداکثر کردن منافع اجتماعی، نایل آیند.

ب) اما رویکرد دیگر در تعریف پوپولیسم دارای نگرش منفی است. با این رویکرد، عوام گرایی در مقابل خردگرایی،



شفافیت معنایش این است که مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد؛ این معنای شفافیت است، باید هم (این کار را) بکنند.

پوپولیسم علیه نخبه گرایی:

در یک نگاه، پوپولیسم معادل مردم باوری قرار می‌گیرد و اعطای آزادی‌ها و امتیازات دموکراتیک به مردم و شریک کردن آنان در ساختار قدرت است که در عین حال در مقابل نخبه گرایی و نخبه باوری قرار می‌گیرد و از بعد سیاسی و اجتماعی چندان مذموم نیست. به طور کلی، نه پاره‌ای اصیل از سیاست دموکراتیک مدرن است و نه نوعی نابهنجاری ناشی از شهروندان غیرمنطقی است. در واقع سایه‌ای از سیاست نمایندگی است که به عنوان روشی برای رقابت با نخبگان قدر تمند در عرصه سیاست حضور می‌یابد. اصولاً، پوپولیست‌ها ضد نخبه‌اند. این گروه ادعایی کنند به تنها‌یی نماینده مردم هستند، رقبای سیاسی دیگر اساساً نامشروع هستند و هر کسی که از آن‌ها پشتیبانی نمی‌کند، چنان که شاید و باید جزئی از مردم نیست.

پوپولیسم عامل بی ثباتی:

پوپولیسم یک نوع مزاج کوتاه مدت است، تصمیم‌گیری بر می‌نماید. کاملاً پر واضح است، هرگونه بی ثباتی و هرج و مرج اساس آنچه امروز و احتمالاً دیروز و شاید هم فردا می‌باشد. این کشور که سال‌هادر گیر جنگ‌های خانمان سوز خارجی و داخلی بوده است، باعث عقب گرد به تمام معنای کشور می‌شود که بر آینده این نسل و نسل‌های بعد، تأثیر منفی شدیدی خواهد گذاشت.



پوپولیسم بی ثباتی بسیاری به همراه دارد. این گروه تلاش دارد تا با به انحصار در آوردن فضاهای روانی جامعه، اغراق فراوان وارائه مسائل خارج از تناسب، روح مردم را تسخیر کرده و قوه استدلالی آنان را به تعطیلی بکشاند. عدم تعهد در برابر ارزش‌های بنیادین مثل اخلاق، صداقت، آزادی، برابری و عدالت اجتماعی، همچنین عوام فریبی، تعصب، تکیه بر توده‌های محروم، نداشتن ایدئولوژی مشخص، اصلاح طلبی، ضدیت با امپریالیسم از جمله ویژگی های جریان‌های پوپولیستی است. سیاست ورزی آنان مبتنی بر نارضایتی‌ها، ترس‌ها، مشکلات جاری جامعه و آلت دست قرار دادن مردم برای پیشبرداهداش شخصی خود، از طریق شعارهای همه‌پسند، وعده‌های دروغین، ساده‌سازی، کلی گویی و برانگیختن احساسات مردم و سعی در طلب آرای آنها تعریف شده است. پوپولیست‌ها تلاش می‌کنند با کسب پشتیبانی افراد فقیر و یا افراد دور از صحنه سیاست گذاری و نمایش مخالفت با ثروتمندان یا سیاست‌مداران، نشان دادن دشمن نامرئی، اتهام زنی و دروغ پراکنی و ابانداشتن در نسبت دادن ناروا به مخالفان، محبوبیت کسب کرده و بدین طریق در موضعی بالا قرار بگیرند. این امر در بلندمدت باعث بی ثباتی کشور می‌گردد و یا آن را تشدید



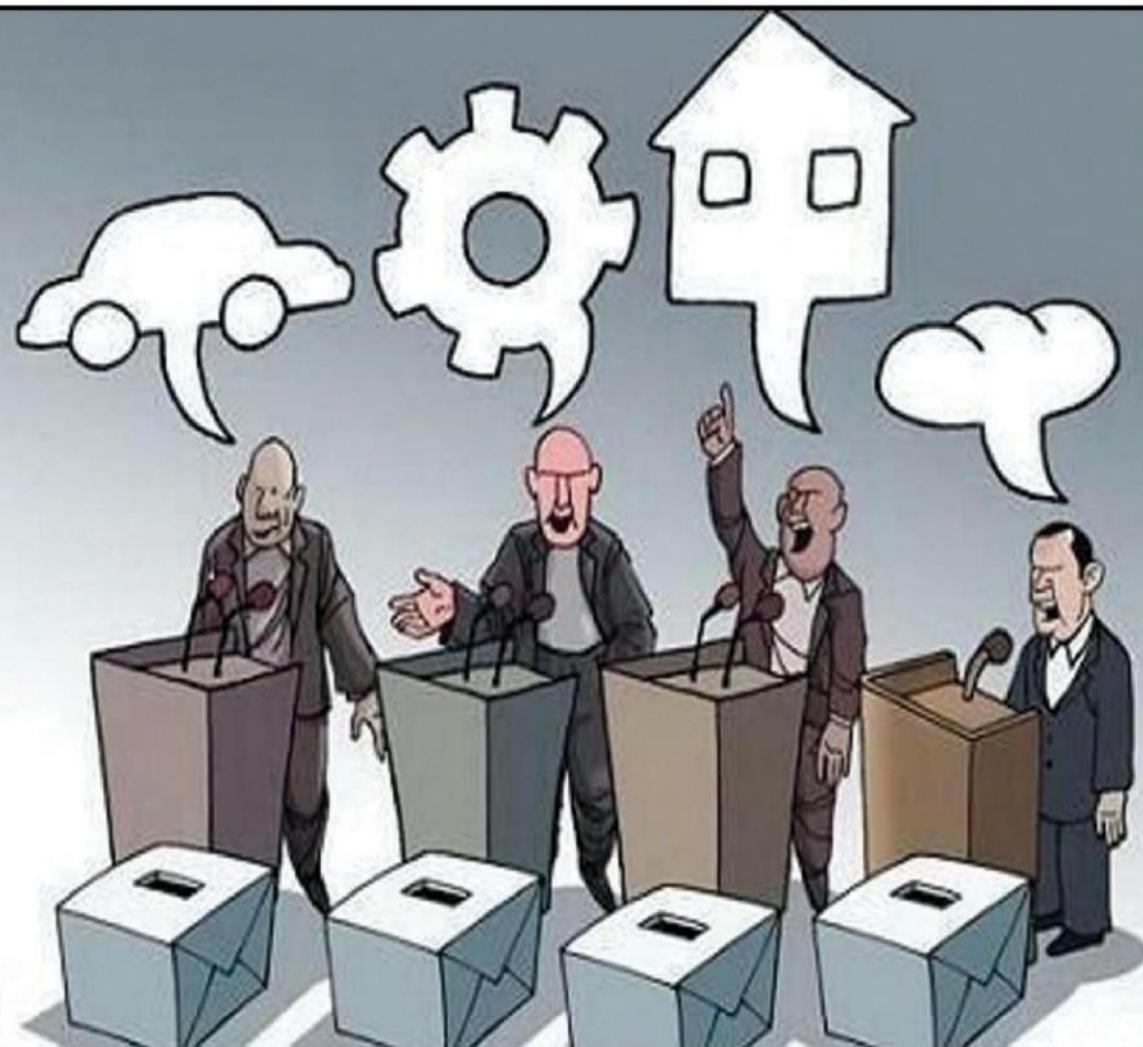


گاهی یک رأی هم مؤثر است؛ هیچ کس نگوید رأی یا جند رأی ، در سرنوشت یک کشور اثر می گذارد.

تشخیص افراد پوپولیست:

دادن شعار و استفاده ابزاری از مقدسات، همراه با کنش عاطفی دور از حقیقت گویی، تأکید بر ظاهرسازی و شیوه‌های پنهان کردن اصل وقایع، استفاده از احساسات و اتفاقات غیر عقلانی از دیگر ابزاری است که جنبش‌های پوپولیست با توصل به آن‌ها به دنبال تحقق خواسته‌ها و اهدافشان هستند. در نهایت باید گفت فرد عوام گرایه دنبال جست و جوی ریشه نابسامانی هانیست، برای مشکلات پیچیده راه حل‌های ساده عرضه می‌کند و از چیزهایی حرف می‌زند که قابل اثبات نیستند. تمام تلاش او لقای حسن خوشایند به اقسام پایین جامعه است و از این‌رو، توجه به افراد متخصص ندارد. پوپولیست، سیاستمداری است که با شعارهای همه پسند، با ساده سازی، کلی گویی و برانگیختن احساسات مردم، مثل ترس و تنفر، افراد را مخاطب قرار می‌دهد، در ظاهر امر در پشتیبانی مردم فقیر یا دور از صحنه سیاست گذاری سخن می‌گوید و خود را مخالف صریح ثروتمندان و یا سیاستمداران می‌نمایاند. دشمن نامرئی اختراع می‌کند و اوراعلت تمام ناروایی هامی خواند. او شعار می‌دهد شعار می‌دهد و شعار می‌دهد! در یک کلام، یک سیاستمدار پوپولیست میانه‌ای باروشنفکران، متخصصان و در کل نخبگان جامعه ندارد.

چه؟



مردم باید به فکر شناخت اصلاح باشند؛ چون امر کوچکی نیست. مسأله سپردن سر نوشت بخش عمدۀ امکانات کشور به یک نفر و یک مجموعه است.

نویسنده: سپیده قهرمان پور

آگاهانه گول بخورید!

مغز قدیم:

این قسمت در بخش مرکزی مغز ماست و مراکز کنترل اعمال حیاتی مانند: نفس کشیدن، بلع، و ضربان قلب در این قسمت قرار دارند. این قسمت همچنین مسئول احساسات گرسنگی، روابط جنسی و واکنش جنگ یا گریز است و در برگیرنده تمام فرایندهای ناخودآگاه ما و همه‌ی اعمال غیر ارادی بدن ماست. کار اصلی این مغز حفظ بقا و حفظ ارزی است. تأثیرگذاری بر دیگران از این قسمت مغز، ساده ترین راه است و با ترساندن افراد از اینکه اگر با من همراهی نکنی یا اگر به من رای ندهی، جنگ می‌شود، وضعیت معیشت سخت می‌شود، قحطی می‌شود، تحریم‌ها کشور را از پای در می‌آورد و مواردی از این دست، تلاش می‌کنند تا مخاطب را قناع کنند و خود را عامل نجات دهنده‌ی مردم از این شرایط نشان دهند. کم ندیدیم از این قبیل سخنرانی‌ها و کم هم نخواهیم دید و باید متوجه باشیم که آن‌ها کجا مغز مارانشانه گرفته‌اند.

مغز میانی (عاطفی، احساسی):

دومین مغز که در لایه بعد از مغز قدیم وجود دارد، مغز میانی است که بر روی مباحث احساسی و عاطفی کار می‌کند. کار آن کنترل عواطف و احساسات از جمله غم، شادی، آرامش، خشم، و عشق و... است. تقریباً همه تصمیماتی که در زندگی می‌گیریم، باید از لایه مغز میانی عبور کنند، همه ما برای اتخاذ تصمیماتمان از احساسات استفاده می‌کنیم و باید به جای نادیده گرفتن یا کنترل احساسات، آنها را تفسیر کنیم و آگاهی حاصل از آن را در زندگی خود به کار ببریم. پخش آهنگ، استفاده از نشانه های هیجان انگیز، انتخاب رنگی خاص، شور و نشاط در سخنرانی، تشویق‌های پی در پی در سخنرانی، استفاده از ضرب المثل‌ها، شعرها و ادبیات کوچه بازاری، استفاده از زبان طنز در تبلیغات و همچنین استفاده از افراد مشهور و محبوب مردم از مواردی است که مغز میانی ما را نشانه می‌گیرد و البته از قسمت‌های مهم و تأثیرگذاری است که غفلت از آن به راحتی مارا تحت تأثیر قرار می‌دهد.



REPTILIAN BRAIN



LIMBIC BRAIN



NEOCORTEX

مغز، پیچیده ترین خلقت پروردگار که هنوز هم با این حجم از پیشرفت علم، مجہولاتی دارد که نیازمند تحقیق و کشف کارکردهای شگفت‌انگیز آن است. در این بین افرادی در پی مطالعه مغز برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران، تبلیغات و اقناع مخاطبان هستند. البته مباداً نیست این کارکردهای مغز می‌توانیم کمتر تحت تأثیر هیجان‌ها و احساسات قرار بگیریم و آگاهانه عمل کنیم. آگاهی نسبت به ویژگی‌های مغز این امکان را برای ما فراهم می‌آورد که متوجه باشیم طرف مقابل سعی دارد با چه روشی ما را متقادع کند، همچنین به ما کمک می‌کند تا هر لحظه بتوانیم نقشه و قدم بعدی طرف مقابل را حدس بزنیم. اما حالا که نزدیک انتخابات است و کاندیداها سعی می‌کنند رای مردم را تصاحب کنند و نظر آنها را جلب کنند، اهمیت این موضوع چندین برابر می‌شود چراکه در انتخابات‌های قبلی شاهد بودیم که چگونه ناگاهی از این موارد باعث شد که نظر مردم به راحتی بر فرد خاصی جلب شود و آگاهی تیم رسانه ای و تبلیغاتی کاندیداها تأثیر تبلیغات شان را چندین و چند برابر کرد.

آقای مک لین که متخصص مغز و اعصاب و اهل آمریکاست، نظریه‌ای تحت عنوان «مغزهای سه گانه» مطرح کرده است. او اعتقاد دارد که می‌توان مغز انسان را به سه قسمت اصلی تقسیم کرد و نکته بسیار مهم این است که عملکرد این سه مغز بسیار با هم دیگر متفاوت، و در تنافض است.

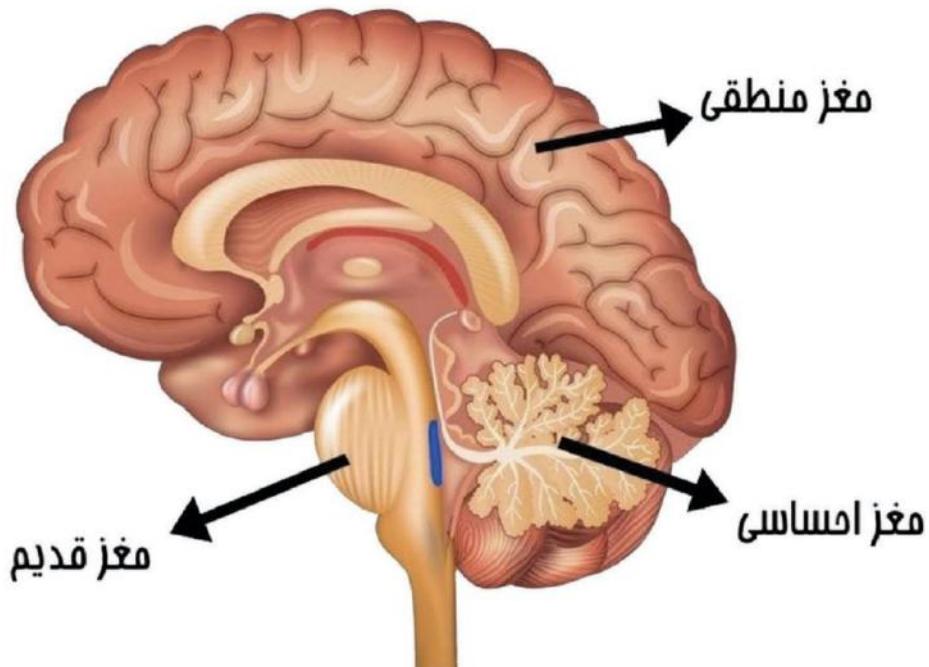


بیانات ماندگار امام خامنه‌ای:



در جمهوری اسلامی انتخاب، انتخاب اصلاح است نه رقابت انتخاباتی.

مغز منطقی یا مغز جدید:



آخرین مغزو بیرونی ترین لایه، مغز منطقی است، همان بخشی که تصور کلی ما از مغز است، در حالی که اکثر انسان‌ها خیلی کم از این مغز استفاده می‌کنند! چون این قسمت بیشترین انرژی را در بین استفاده می‌کند، به همین دلیل است که اغلب کارهای ما توسط مغز قدیم و میانی انجام می‌شود تا مصرف انرژی کاهش یابد.

این قسمت از مغز تمام اطلاعات منطقی و آماری و تمام اطلاعاتی که در طی زمان کسب می‌کنیم را در خود جای می‌دهد. عمالاً تفاوت اصلی ما انسان‌ها با حیوانات همین بخش از مغز است.

اما تأثیرگذاری از این قسمت بسیار کار سختی است چرا که انرژی بسیاری را ز هر دو طرف می‌گیرد. وقتی در سخنرانی ها از آمار، ارقام، برنامه‌ها و کارنامه‌هایی گویند دقیقاروی مغز جدید کار می‌کنند. بهترین و اخلاقی ترین روش تأثیرگذاری همین است. استفاده از مغز جدید یعنی احترام به مخاطب و مخاطبی که ترس و عواطف را کنار بگذارد و با مغز جدید خود، تحلیل کند در واقع با متعالی ترین و منطقی ترین قسمت مغز خود فکر می‌کند.

این آرزوی همه‌ی ماست که روزی کاندیداهای انتخابات و هر کسی که تبلیغ می‌کند به جای نقشه‌های ترس و احساسات، با سلاح استدلال، منطق، آمار صحیح، صداقت و درستکاری به میدان بیاید و همچنین مردم آگاهانه و از روی درایت و تدبیر رای بدهند.



اگر احساسات و ایمان قوی زن‌ها نبود، شاید بسیاری از مردهای ما این قدرت را پیدا نمی‌کردند که در میدان‌های سخت مبارزات حضور داشته باشند.

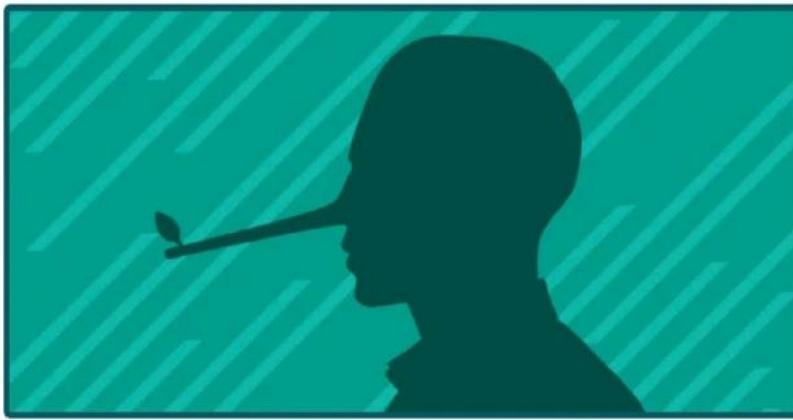
نویسنده: سیده لیلا ذاکری

حنیفه نامه

وعده‌های انقضادا!

سال‌هاست که با نزدیک شدن به موسم انتخابات، حضرات یادشان می‌افتد که نیمی از جمعیت کشور زنان هستند و با استفاده از این ظرفیت می‌توانند به اهداف سیاسی خود دست یابند؛ زنانی که یا مورد سوءاستفاده تبلیغاتی قرار می‌گیرند، یا با شنیدن شعارها و وعده‌های دهن پرکنی مثل عدالت جنسیتی و وعده وزیرزن، رای و نظرشان جلب می‌شود. البته همه این کارهانه برای احراق حقوق زنان بلکه فقط و فقط برای رای آوردن انجام می‌شود!

یکی از کاربران فضای مجازی هم با اشاره به یکی از سخنان شهید مطهری درباره سوءاستفاده غرب از زنان در این باره نوشت: «شهید مطهری می‌گفت در غرب از زنان باددن وعده‌های پوج به اونها در تبلیغات سیاسی و انتخاباتی سوءاستفاده می‌کنن. جاش خالیه تابیینه یکی از اقوام درجه یکش، موقع ثبت نام کاندیداتوری انتخابات ریاست جمهوری، با وعده‌ی آزادی ورود زنان به ورزشگاه‌ها و برداشتن ممنوعیت دوچرخه سواری زنان، قبل تأیید صلاحیت، برای خودش رای جمع می‌کنه! الهی شکر که داریم به غرب می‌رسیم!»



زنان و انتخابات

ناگفته نماند که سال‌هاست از زنان و انتخابات، به عنوان دو مفهوم مجرد، اما یک مقوله به هم تنیده استفاده می‌شود؛ مساله‌ای که با نزدیک شدن به انتخابات به صورت ناخودآگاه همه حواس‌ها را به زنان معطوف می‌کند و استفاده از ظرفیت، توانمندی و مدیریت آنها را به میان می‌کشد. بخصوص توجه به موضوع حجاب و زنان که این روزهانقل محاذی مجاذی و اتاق‌های گفت و گوی کلاب‌هاوس است و کاندیداهای انتخاباتی درباره آن سخن می‌گویند. برخی در عین ناباوری و فقط برای رای جمع کردن، ادعامی کنند بانداشتن حجاب در حد برداشتن روسربی زنان مشکلی ندارد!

کابینه زنانه

موضوع زنان و انتخابات از یک منظر دیگر هم قابل بررسی و مورد نقد است. اینکه با نزدیک شدن به زمان انتخابات، برخی احزاب برای اینکه میزان آرای نماینده‌ی خود را بالابرند، پای زنان را به میان می‌کشند. مثل؛ دادن وعده بر سرکار آوردن وزیر زن که به ندرت عملی می‌کنند! حتی دیده شده یکی از چهره‌های مدعی، وعده کابینه تمام‌ازنانه را داده است! اجدای از وعده‌های داده شده، واقعیت این است که برخی کاندیداهای زنان و جوانان را صرف‌با به عنوان «پوستر چسبان» می‌خواهند و با وعده‌های قشنگ به میدان می‌آورند! اما بعد از اینکه به مقصود رسیدند همه وعده‌های را به فراموشی می‌سپارند و از مشکلات پیش رویشان برای استفاده از زنان در کابینه و پست‌های مدیریتی سطح بالا سخن به میان می‌آورند.

بیانات ماندگار امام خامنه‌ای:



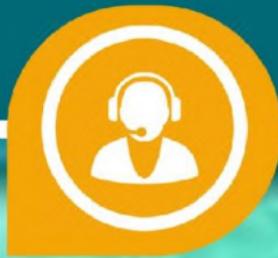
بحمدالله مظاہر عظیم شرکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، در پیشبرد انقلاب، در رقم زدن آینده، همه حا به چشم می‌خورد. اجتماعات، نماز جمعه‌ها و راهپیمایی‌های ما در این کشور با حضور، همت و روح انقلابی زنان مزین است. این را حفظ کنید؛ این از برکات انقلاب، اسلام و عفاف است.

استفاده ابزاری از زنان

متاسفانه این نوع استفاده ابزاری، رفتاری است که برخی سیاسیون به آن متولی می‌شوند چرا که اخلاق سیاسی در جامعه ما ملاک قرار نگرفته و با وجود مباحث مذهبی و ایدئولوژیکی که ۴۲ سال بر آن تاکید شده، مبانی اخلاق رعایت نمی‌شود و افراد از هر ابزاری برای پیشبرد اهدافشان استفاده می‌کنند. بالاخص ابزار قرار دادن زنان! البته در سالهای اخیر، زنان ایرانی به این فهم و درک از مسائل سیاسی رسیده‌اند که با حربه‌های این چنینی، فریب نخورند. اما اینکه برخی، بخشی از جامعه زنان را اینگونه متقادع می‌کنند که ماصدای شما خواهیم شد و از آنها استفاده ابزاری و تبلیغی می‌کنند تا به هدف‌شان برسند، رفتار غیراخلاقی است و باید به این زنان آگاهی داد تا مورد سوءاستفاده قرار نگیرند. بطور کلی، زنان را بازیچه انتخابات قرار دادن یک "مفهوم غیراخلاقی" است و برخی حاضرند به هر شکل ممکن از زنان به عنوان ابزار تبلیغاتی در انتخابات استفاده کنند تا به هدف خود دست یابند!



سچ دا نشجويي دا نشكاه محقق اردبيلي



ارتباط با ما:

کانال های ارتباطی:

ایнстاستاگرام

@uma_daghdagheh

ربات تلگرامی(آرشیو شماره های قبلی نشریه)

@umadaghdagheh_bot